



عباس محمدی اصل



## انتخابات و مشارکت سیاسی

و با کوشش برای نفوذ و کسب قدرت (Weber, M.; ۱۹۸۳:۷۶) باشند. در واقع تمایل به اضعاف قدرت سیاسی حتی علیه خود مقاومت دیگران نشانگر این نکته است که سیاست جاری رابطه‌ای خاص میان افراد و گروه‌های انسانی است. کفر قطع نظر از هدف نهایی؛ درجه‌ای از قدرت و زور و سلطه را با

(Nelson, J.L. and Besay, F.P.; ۱۹۷۰:۲۸) و

از طرفی "جامعه‌پذیری سیاسی فرایندی است که طی آن انسان‌ها با نظام سیاسی در قالب نظام اجتماعی آشنا گردیده و به واسطه آن واکنش خویش را در برابر پدیده‌های سیاسی تعیین می‌کنند (Rush, M. and Althoff, p.; ۱۹۷۱:۱۳) در این صورت می‌توانیم بگوییم جامعه‌پذیری سیاسی نهادین به مانند زیر مجموعه جامعه‌پذیری آدمیان در هر نظام اجتماعی است که شرایط تکوین شخصیت و تربیت سیاسی اعضای جامعه را فراهم می‌آورد و کنش‌های سیاسی او را نظیر مشارکت سیاسی تعیین می‌کند. از همین رهگذر است که می‌توان مشارکت سیاسی را مثلاً برای ارزیابی میزان قوت و ثبات و مشروعیت نظام سیاسی و عوامل مقوم یا تضعیف‌کننده‌ی آن به کار گرفت و در این پرتو به عنوان نمونه به کنش همچون رفتاری انتخاباتی عطف توجه کرد.

بنابراین در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی نهادین است که اعضای جامعه با نظام سیاسی آشنا شده و عکس‌العمل خود در برابر پدیده‌های سیاسی را شکل می‌دهند. یکی از این عکس‌العمل‌ها که در قالب درجات مشارکت آحاد جامعه در نظام سیاسی جلوه می‌کند خود ضامن بقای سیاسی نیز می‌شود و از همین رو نظام سیاسی می‌کوشد به اتکای تلاوم تبلیغات جامعه‌پذیرانه و انتقال هنجارها و ارزش‌های مورد نظر خویش، قوام و بقای کارکردیش را استمرار بخشد. چنین کارکردهای سیاسی نیز البته می‌تواند مشتمل بر انجام وظیفه دولت (Garner, J.W.; ۱۹۳۲:۹۰)؛ فعالیت در جهت ساماندهی نظام اجتماعی (Crick, B.; ۱۹۶۶:۶۸۳)



### مقدمه

مشارکت در انتخابات سیاسی، نوعی کنش اجتماعی است که به قوام و بقای نظام اجتماعی یاری می‌رساند و بدین ترتیب این کنش اجتماعی با ایجاد ذهنی و عینی خود پرده از هویت سیاسی کنشگران بر می‌گیرد و زوایایی پنهان از تعاملات فرهنگی و پوشش‌های ساختنی نظام اجتماعی را عیان می‌سازد. به این لحاظ مطالعه کنش اجتماعی انتخاباتی سیاسی بر پایه تفهیم تنویات کنشگران و تفسیر آنها در سطوح خرد و میان و کلان نظام اجتماعی می‌تواند در راستای تثبیت، اصلاح یا تغییر روال سپهر حیات جمعی به کار آید.

بر این سیاق تحلیل کنش اجتماعی انتخاباتی در ابعاد اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و فرهنگی و در سطوح خرد و میانه و کلان؛ به شناسایی ثبات و مشروعیت و نظام‌های سیاسی و تطور آرا و منظومه‌های سیاسی می‌انجامد و نشان می‌دهد چگونه دیالکتیک مناسبات سطوح اجتماعی در قالب فرایندهای جامعه‌پذیری سیاسی نهادین، فرد را به مشارکت فراخوانده یا او را از مشارکت باز می‌دارد.

### جامعه‌پذیری سیاسی نهادین

اگر بپذیریم که از یک سو نهاد مبین هر گونه اعتقاد، ارزش، مفهوم، سازمان یا پدیده‌ای است که طی شرایط و فرایندهای تاریخی با مجموعه‌ی اهداف، کنش‌ها و کارکردهایی معین مشخص شده



اهداف غیرشخصی و به استظهار نام جامعه مرعی می‌دارد و بر این سیاق، نظام اجتماعی را در تحقق اهدافش قوی دست‌می‌سازد. بر این پایه منویات سیاسی که عمدتاً توسط دولت به مثابه مشخص‌ترین نظام سیاسی حاکم دنبال می‌شود؛ از طریق فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، به درون شریان‌های نظام شخصیتی اعضای جامعه تزریق گردیده و از این حیث تداوم اراده‌ی خویش را به شکلی شرطی و نهایی ترسیم می‌کند؛ چرا که در فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، این گرایش‌ها و ارزش‌های سیاسی است که در افراد نهادینه می‌گردد و آنان بر همان اساس به ایفای کنش سیاسی می‌پردازند. (Almond, et al.; ۱۹۶۶:۲۶) به دیگر سخن فرایند جامعه‌پذیری سیاسی نهادین باعث تحقق سازمانی قوانین نظام سیاسی حاکم در قالب نهاد‌های اجتماعی می‌گردد و در آن اقتدار حاکمیت سیاسی در راستای تبلور ارزش‌های سیاسی در جامعه جریان می‌یابد. در این جا لازم به ذکر است که تحقق بهینه انتقال ارزش‌ها از ناحیه فرایند جامعه‌پذیری سیاسی، محتاج سازماندهی نهاد‌های اجتماعی بر پایه

## تمایل و انگیزه انتخاب سیاسی مردم از یک سو حاکی از نیازهای اجتماعی بوده و از طرفی آرمان‌ها و ارزش‌های مورد انتظار اجتماعی را به منصه ظهور می‌رساند

می‌دهد که تحمیل مشارکتی و تاملاتی اراده‌های حاکمان و تابعان فرایند‌های سیاسی تا چه حد می‌تواند کم هزینه و ابطال‌گرایانه و غیر خشن باشد و ضمن تداوم مبارزه و رقابت سیاسی واقعی در متن ساخت جامعه، مقبولیت ذهنی نظام سیاسی و استمرار اصلاح ساختار جامعه را به ارمغان آورد.

### خلاصه و نتیجه‌گیری

تمایل و انگیزه انتخاب سیاسی مردم از یک سو حاکی از نیازهای اجتماعی بوده و از طرفی آرمان‌ها و ارزش‌های مورد انتظار اجتماعی را به منصه‌ی ظهور می‌رساند. این ابعاد در حیطه تاملات اجتماعی، بنیانی بر پا می‌دارد که پایه آن چیزی جز نشان ابطال‌گرایی به جای اصحاء‌گرایی نیست. در واقع همین شرایط سبب می‌شود که در سطح کلان، استعداد تغییر‌پذیری جهشی و خشن نظام سیاست به امکان اصلاح‌پذیری بطئی و آرام نظام سیاست اجتماعی مندل گردد و این امر هم به واسطه تفاسیر نوع دوستانه آحاد جامعه، مجدداً در عرصه تراکم‌پذیر فرهنگ انسانی کارسازی شود. بدین سان با طی طریق مزبور است که خودرایی به جامعه رای می‌پیوندد و فردگرایی از جمع‌گرایی می‌زاید و انتخاب موید اعتماد می‌گردد و توازن به جای بحران می‌نشیند تا بدین منوال کلیه جوانب ذهنی و عینی کنش، منافع فردی و جمعی تعامل و مقتضیات گرایشی و انتظاراتی ساخت پویای سیاسی مایه قوام نظام اجتماعی واقع شود و نوید تعلق‌گرایی به جامعه را در تحزب‌گرایی سیاسی خلاصه نماید و تاکید دارد که مشارکت ساختی از مشارکت درونی در حیطه انتخابات سیاسی مجزا بوده و بگفته ابزار قدرتمند تحکیم حاکمیت همانا مطالعه علمی شیوه‌های جلب مشارکت انتخاباتی درونی آرامش‌بخش از فضای سیاسی رقابتی و انحصاری در راستای تقویت مقبولیت ساختی آن می‌باشد.

اهداف و هنجارهای حاکم است. به علاوه این سازماندهی بدون هماهنگی نهاد‌های اجتماعی در راه تربیت سیاسی نامتعارض با نظام سیاسی به جوی نمی‌ارزد. تنها در وضعیت اخیر است که مشارکت سیاسی مقوم نظام اجتماعی نضج می‌گیرد و حتی مبارزه با رژیم تغییر چهره می‌دهد.

### انتخابات سیاسی

بر این منوال انتخابات نوعی کنش است که همواره به تعریف و تعیین میزان مشارکت سیاسی در عرصه نظام اجتماعی می‌پردازد. به دیگر سخن انتخابات از یک سو ضمن بیان خصوصیات اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی رای‌دهندگان و رای‌آوران و رای‌خواهان سیاسی؛ سیاق‌گزینه‌های نامزدهای انتخاباتی را معرفی می‌کند و با تاکید بر شرایط تاملاتی تلاقی آرمان‌ها و انتظارات فردی و ساختی سیاسی از طرف دیگر به کار تحلیل فرایند تربیت سیاسی، چگونگی ایفای نقش‌های سیاسی و موضع‌گیری رای‌دهندگان نسبت به نظام حاکم سیاسی می‌آید. به این ترتیب انتخابات یکی از طرق تبلور افکار عمومی است که با خصائصی چون جهت (Direction)، شدت (Intensity)، برجستگی (Sallence) و رونق (Constancy) به عنوان یکی از سطوح اولیه مشارکت سیاسی مطرح می‌شود (Rush, M., ۱۹۹۲: ۱۱۵). در این جا مراد از جهت انتخابات همان سمت و سوی آرایه عقیده‌های خاص است و منظور از شدت انتخابات میزان قوت دفاع از عقیده مزبور می‌باشد. همچنین برجستگی انتخابات که خود نشانگر شدت است، بین‌چستی و اهمیت عقیده‌ای است که قویا از آن دفاع می‌شود و بالاخره سازگاری انتخابات نیز با ارجاع به روابط عقاید صرف حدود انطباق و همخوانی میان عقاید موجود است. بنظر این تحلیل انتخابات به مثابه یکی از حوزه‌های مزجی مشارکت سیاسی در بطن نظام اجتماعی به‌انگاری شرایط اجتماعی و زمینه‌های تاریخی جامعه توضیح



Almond, et. al; (1966); Comparative politics; London; Macmillan.

Crick, B.; (1966); The Tendency of political studies; New society; no.8.

Garner, j.w.; (1932); Political science and Government; Newyork; American Book.

Nelson, j. Land Besay, f.p.; (1970); sociological perspective in Education; Newyork; plman.

RUSH, M.; (1992); Politics and society; london; prentice-Hall.

RUSH, M. and Althoff, j.; (1971); An introduction to political sociology; london; Fitch and son.

Weber, M.; (1984); 'politics as a Vocation'; sociology; no. 7.